

# سومین کنفرانس

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (انگلیت)

## برگزار شد

در اوایل تیرماه کنفرانس سوم سازمان یکسال قبل از موعد مقرر برگزار گردید. کنفرانس سوم که مطابق روال معمول سی و بیستی دو سال پس از سومین کنفرانس سازمان تشکیل گردید بعلمت تحولاتی که در یکسال گذشته در مقیاس جهانی بوقوع پیوسته بود و ضرورت اصلاحاتی را در برخی از بندهای برنامه و مواضع سازمان به امری میرم و فوری تبدیل ساخته بود و نیز اتخاذ موضع در مورد برخی سازمانهای سیاسی، یکسال زودتر از موعد مقرر کنفرانس های عادی و بعنوان یک کنفرانس اضطراری برگزار گردید.

کنفرانس سوم با اعلام یک دقیقه سکوت به پاس بزرگداشت خاطره شهدای فدائی و همه انقلابیونی که در مبارزه علیه نظام سرمایه داری و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جان باخته و نیز به پاس احترام نسبت به دهها هزار تن از گذشته - شدگان زلزله اخیر و ابراهیم مددی با عزم توده های مردم ایران در این مصیبت بزرگ گشایش یافت. ابتدا گزارش عملکرد یکساله سازمان و فعالیت بخشهای تشکیلاتی طی این

سومین کنفرانس . . .

مدت، توسط کمیته اجرایی به کنفرانس ارائه شد. در این گزارش ضمن جمعبندی فعالیت یکسال گذشته گفته شده بود که کمیته اجرایی طی این مدت سازماندهی و فعالیت تشکیلات را در جهت عملی ساختن مصوبات کنفرانس دوم و خطمشی تصویب شده توسط این کنفرانس قرار داده و وظایفی را که در این دوره دربرابر خود

نهاد به انجام رسانده و در کلیت خود مثبت ارزیابی میکند. کلیت این گزارش با اتفاق مورد تصویب قرار گرفت. پس از مباحثاتی که در مورد جزئیات گزارش صورت گرفت مسئله مورد بحث دیگر یعنی بحث بر سر تغییراتی در بندهای ۱۲ و ۱۳ برنامه آغاز گردید. ماحصل این مباحثات تغییری در این دو بند بود که بالاتفاق مورد تصویب قرار گرفت. بندهای ۱۲ و ۱۳ مصوبه کنفرانس عیناً نقل میگردند:

بهنگام بحث پیرامون بند ۱۳ برنامه، مسئله ماهیت طبقاتی دولت شوروی و شیوه تولید سلطه فدراتحاد جماهیر شوروی نیز مورد بحث قرار گرفت. در این زمینه برغم آنکه دیدگاههای مختلفی وجود داشت با این وجود میتوان آنها را حول سه نقطه نظر جمعبندی نمود. یک نظر بر این اعتقاد بود که برغم اینکه رشد انحرافات در شوروی به مرحله خطرناکی رسیده است، اما هنوز نمی توان گفت که بورژوازی قطعا قدرت را بدست گرفته و سرمایه داری در این کشور احیاء شده است، بلکه هم اکنون مبارزه حادی میان پرولتاریا و جریانات غیر پرولتری در تمام سطوح در جریان است و نتیجه این مبارزه است که سرنوشت سوسیالیسم را در شوروی تعیین خواهد کرد. نظر دوم معتقد بود پرولتاریا در روسیه با انقلاب اکثر بقدرت رسید و توانست دیکتاتوری خود را برقرار سازد. اما رشد انحرافات بورژوازی در حزب کمونیست شوروی بر زمینه شرایط مساعد داخلی و بین المللی موجب شد بورژوازی طی پیروسی نه چندان کوتاه از پرولتاریا خلع ید کند و دستاوردهای اصلی آنرا بازستاند. در این نیز تردیدی نیست که هر چند طبقه کارگر شوروی مدتهاست قدرت سیاسی را در این کشور از کف داده اما توانسته است حتی تا به امروز بخشی از دستاوردهای خود را حفظ کند.

۱۲- سرمایه داری جهانی تقریباً از آغاز قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه داریست تبدیل شده است که بر آن اتحادیه های انحصاری سرمایه داران، کارتلها و تراستها نقش تعیین کننده ای یافته اند.

در این مرحله از تکامل سرمایه داری، سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی ادغام شده، مدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعاد وسیعی بخود گرفته، جهان از نظر ارضی بین کشورهای امپریالیست تقسیم گشته و تقسیم اقتصادی جهان بین تراست های بین المللی آغاز شده است.

در این مرحله از تکامل سرمایه داری، جنگ های امپریالیستی که با رزترین آنها جنگهای جهانی اول و دوم بوده است برای تسلط بر جهان، کسب بازارهای جدید و انقیاد ملل کوچک و خلفهای عقب مانده اجتناب ناپذیر شده است. امروز سرگردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم آمریکا بشناخته است. ارتجاع جهانی و ژاندارم بین المللی برعهده گرفته است، که سابقه تسلیمات امپریالیستهای جنگ طلب را رهبری میکند. بلوک های متجاوز نظامی را تحکیم میبخشد، دست به ماجراجویی نظامی میزند و خطر بروز یکجنگ هسته ای را تشدید میکند.

۱- امپریالیسم آمریکا اصلی ترین دشمن مشترک کلیه نیروهاست است که در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم پیکار میکنند.

۲- سطح فوق العاده بالای تکامل سرمایه داری جهانی، جایگزینی رقابت آزاد با سرمایه داری انحصاری با افزایش هزینه های زندگی، رشد میلیتاریسم و هزینه های ناشی از آن، موانع بزرگی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پدید آورده است، فقر، خانه خرابی و عدم اشتغال آ آینده، همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریا تبدیل نموده است. این عصر مدتهاست که آغاز گشته و شکوه مندترین نمود آن انقلاب کمیسر سوسیالیستی اکثریت است.

تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا می تواند بشریت را از شر جنگ ها و تمام معانی که امپریالیسم به بار آورده است رهائی بخشد.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریا، امر آماده نمودن همه جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است.

انجام این وظیفه مبارزه همه جانبه ای را علیه تمام اشکال اپورتونیسم و گست قطعی از آنها را می طلبد که به صورت مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی، رسالت تاریخی، هدف نهایی و اتحاد و همبستگی بین المللی پرولتاریا محسوب میگردند.

با رزترین نمونه تعریف بورژوازی سوسیالیسم، سوسیال دموکراسی و دیگر جریانات اپورتونیست - رفرمیست اند که با نفی نظری یا عملی انقلاب قهری و دیکتاتوری پرولتاریا، مارکسیسم را از جوهر انقلابی اش تهی ساخته و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را در پیش گرفته اند. کلیه این جریانات مرتد و خائن به طبقه کارگر محسوب میگردند.

بعلاوه امروز در جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمان هائی وجود دارند که دچار انحرافات اپورتونیستی راست یا چپ شده، اما هنوز این انحرافات به یک خط مستقل اپورتونیستی تحول نیافته اند.

تنها خط انقلابی که مایکی از مدافعین پیگیر آن هستیم، مارکسیسم - لنینیسم را یگانه ایدئولوژی طبقه کارگر می شناسد و با پذیرش عمر کنونی بعنوان عصر انقلابات پرولتری و نیز انقلاب قهری و دیکتاتوری پرولتاریا، با تمام خطوط و انحرافات رویزیونیستی مرز بندی قاطع ندارد.

سیاست ما اتحاد و همکاری تام با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی، دشمنی و مبارزه قاطعانه با خطوط اپورتونیستی - رفرمیستی و با حفظ موضع مستقل اتحاد و مبارزه ایدئولوژیک با جریانانی است که به انحرافات رویزیونیستی دچار شده اند.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریا، امر آماده نمودن همه جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است.

انجام این وظیفه مبارزه همه جانبه ای را علیه تمام اشکال اپورتونیسم و گست قطعی از آنها را می طلبد که به صورت مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی، رسالت تاریخی، هدف نهایی و اتحاد و همبستگی بین المللی پرولتاریا محسوب میگردند.

بعلاوه امروز در جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمان هائی وجود دارند که دچار انحرافات اپورتونیستی راست یا چپ شده، اما هنوز این انحرافات به یک خط مستقل اپورتونیستی تحول نیافته اند.

تنها خط انقلابی که مایکی از مدافعین پیگیر آن هستیم، مارکسیسم - لنینیسم را یگانه ایدئولوژی طبقه کارگر می شناسد و با پذیرش عمر کنونی بعنوان عصر انقلابات پرولتری و نیز انقلاب قهری و دیکتاتوری پرولتاریا، با تمام خطوط و انحرافات رویزیونیستی مرز بندی قاطع ندارد.

برغم برخی اختلاف نظر با این جریان وابهاماتی که هنوز در برخی ازمواضع آنها وجود دارد، در خطوط اصلی از یک مثنی کمنیستی پیروی می‌کند و جزء نیروهای وحدت حزبی یا مقررار دارد. این نظر با اکثریت مطلق آراء بصوب رسید. نظر دیگری که در اقلیت قرار گرفت معتقد بود که مواضع این سازمان هنوز دارای ابهاماتی است و قرار گرفتن آن در وحدت حزبی منوط به رفع این ابهامات به نفع خط مثنی کمنیستی است.

در مورد ماهیت طبقاتی و شیوه برخورد ما نسبت به سازمان فدائی نیز سه نظر در کنفرانس وجود داشت. یک نظر معتقد بود که برنامه مصوب کنگره سازمان فدائی اولانسیب به طرح برنامه سازمان آزادی کار و طرح برنامه سازمان فدائی خلق ایران منتشره در سال ۶۲ که اساس خط مثنی این سازمان را تا سال ۶۶ تشکیل میداد، یک گام به عقب محسوب می‌گردد و ثانیا این برنامه بویژه پلانفرم تشکیل جبهه دمکراتیک فدائریالیستی آن، می‌گوشد تا توده‌ها را بصورت زائده بورژوازی در آورد. بعلاوه اگر بپذیریم که قضاوت در مورد احزاب و سازمانها نباید آنقدر در پیرامون آن چیزی باشد که آنها در باره خود می‌گویند، بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب و سازمانها بدان عمل میکنند در نتیجه سازمان فدائی را نمی‌توانیم جدا از عملکرد گذشته دوسا زمان تشکیل دهنده آن، یعنی سازمان آزادی کار که یک سازمان غیر انقلابی و فاقد عملکرد معین اجتماعی بوده است و سازمان فدائیان خلق ایران که با توجه به برنامه و عملکردش در صرف ضد انقلاب قرار داشته در نظر بگیریم، بنا بر این سازمان فدائی نیز با توجه به برنامه مصوب کنگره اش و عملکرد دو سازمان تشکیل دهنده آن، اساسا فاقد طبقاتی خرده بورژوازی مرفه را نمایندگی میکند و امروز نیز در صرف ضد انقلاب قرار دارد. نظر دیگر برای این اعتقاد بود که این سازمان در صرف انقلاب قرار

دارد، اما از آنجا شیک گروهی از اعضاء این سازمان را همان کسانی تشکیل میدهند که در گذشته جزء اکثریتی های جناح کشتگر بوده اند، ما دام که سازمان فدائی از عملکرد گذشته سازمان فدائیان خلق بعنوان دستیار جلدان انتقاد نکند ما مجاز به اتحاد عمل با آنها نیستیم. نظر سوم معتقد بود که سازمان فدائی جریان متفاوت از جریان فدائیان خلق کشتگراست و نیروهای اصلی و رهبری کننده این سازمان را نیروهای سازمان آزادی کار تشکیل میدهند که هیچ نقشی در جنایات اکثریتی ها و همکاری با رژیم خمینی نداشته اند. این یک سازمان انقلابی است. ما میتوانیم از این سازمان بخواهیم که عملکرد گذشته کسانی را که با جناح کشتگر فعالیت می‌کرده اند مورد انتقاد قرار دهد، اما اتحاد عمل مان را با این جریان موکول به انتقاد نخواهیم کرد. پس از مباحثاتی که پیرامون این مسئله صورت گرفت، کنفرانس تصمیم گرفت این مسئله را نیز از دستور کار خود خارج کند و پیش از هرگونه اتخاذ تصمیم قطعی این مسئله نیز به بحث گذاشته شود.

کنفرانس همچنین مسئله وحدت با شورای عالی را مورد ارزیابی قرار داد. نظرا اکثریت که بصوب رسید این بود که تلاش در جهت وحدت با شورای عالی در راستای وحدت جنبش کمنیستی امری ضروری بوده است و برغم اینکه در گذشته راههای پیشبرد این وحدت سنجیده نبوده و سهل الوصول پنداشته میشد، و برغم اختلافات و موانعی که هم اکنون وجود دارد روند وحدت باید تا حصول به یک نتیجه منطقی ادامه یابد. نظرا اقلیت این بود که سواى شکل پیشبرد کار که اساسا اشتباه بوده است، مسئله وحدت با شورای عالی و ادامه روند وحدت نیز اشتباه است.

سومین کنفرانس سازمان با انتخاب کمیته اجرایی و سرود انترناسیونال بکار خود پایان داد.